



هم کلاسی
Hamkelasi.ir

درس سوم



♦ متن زیر را بخوانید و مشخص کنید که کدام بخش آن، به نقاشی نزدیک‌تر شده است.

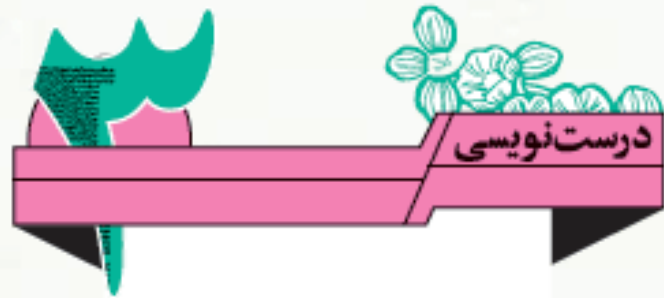
صندوقچه مادر بزرگ

صندوقچه مادر بزرگ، گنجینه خاطرات من بود. مادر بزرگم همیشه با دیدن من سراغ صندوقچه قدیمی‌اش می‌رفت و نقل و نباتی دستم می‌داد؛ انگار تمام دارایی‌های مادر بزرگ در آن صندوقچه بود. همیشه در آن را با دقت قفل می‌کرد.

صندوقچه به شکل مستطیل و چوبی بود و روکشی پر نقش و نگار از جنس فلز داشت که بر روی چارپایه چوبی خود در کنج اتاق مادر بزرگ، جا خوش کرده بود. درش به سمت بالا باز می‌شد و دوباره به طرف پایین می‌آمد و روی آن را می‌پوشاند. بر دیواره جلویی آن سه ردیف حلقه بر بدنه صندوق قرار داشت که میله‌ای فلزی از میان آنها عبور می‌کرد و قفلی به شکل نیم‌دایره در آن حلقه‌ها جای می‌گرفت و مادر بزرگ چند بار کلید را در آن می‌چرخاند تا قفل شود؛ کلید به رنگ قهوه‌ای سوخته بود و شبیه پیچ، خطوط دایره‌ای به دور آن چرخیده بود.

دنباله این کلید، نخ‌کلفت و خاکی رنگ، به طول بیست سی سانت داشت که به روسری گلدار و بلند مادر بزرگ گره می‌خورد و بلافاصله بعد از قفل کردن در جیب داخلی سمت چپ جلیقه مادر بزرگ جا می‌گرفت. گاهی هم برای اطمینان بیشتر آن را از سوراخ جا دکمه‌ای جلیقه رد می‌کرد و بعد در جیبش جا می‌داد تا دیگر دست هیچ سارقینی به آن نرسد. اصلاً کسی جرئت نمی‌کرد به آن، چپ نگاه کند.

خلاصه، تمام شکل و شمایل صندوق، درست و دست نخورده، هنوز در ذهن من باقی است. من در خاطراتم دنبال آن روسری و جلیقه مادر بزرگ می‌گردم تا شاید کلید صندوق را بیابم و اسرار کودکی‌های خود و نفس‌های مادر بزرگم را در آن پیدا کنم.



- ◆ کتابی را که هفته پیش خریده بودم، خواندم.
- ◆ کتابی که هفته پیش خریده بودم را، خواندم.

جمله اول درست است؛ چون حرف «را» در جای خود؛ یعنی بعد از مفعول (کتاب) آمده است. «را» در زبان معیار امروز نشانه مفعول است و پس از مفعول می آید.

◆ جمله های زیر را ویرایش کنید:

- ◆ مردمی با مشت های گره کرده که پیش می رفتند را دیدم.

.....مردمی را که با مشت های گره کرده پیش می رفتند.....

- ◆ گلی که بوی خوشی داشت را بوییدم.

..... گلی را که بوی خوشی داشت بوییدم.....